

قدم اول و برنداشته چنان دستمو کشید که روے مبل پرت شدم و با چشماے به خون نشسته و صورت برزخیش که آدم ازش مے ترسید روبه رو شدم

به صورتم نگاه کرد و گفت

تا وقتے که من اجازه ندادم پاتو از اینجا بیرون نمیذارے حقشونداری

ترسیدم ازش خیلے ترسیدم این آدم ترسناک بود

تعادل نداشت پشیمون بودم

خیلے پشیمون بودم از دوست داشتن همچین آدمی

اما بلایے بود که بهش گرفتار شده بودم و هیچ کاریش نمے شد کرد

دوباره سیگارے روشن کرد و از پنجره به بیرون خیره شد و گفت

_ مے خوام باهات حرف بزئم پس خوب گوشاتو باز کن

قرار نیست من و تو ازدواج کنیم قرار نیست که زوج خوشبختے بشیم قرار

نیست تا به مرد رویاهات برسے و یع زندگے رمانتیک و تجربه کنی

من اگر این جام دلایل خودم و دارم

تو اگر این جای باید تاوان پس بدے هر قدم خطای ے که بردارے هر کار
اشتباه ے که بکن ے تاوان ے که قراره بدے بدتر و بدتر میشه پس مواظب
رفتارت باش

حتے ی کے از حرفاش نمیفهمیدم حتے یک کلمه برام مفهوم واضح نبود
ترسیده به مبل چسبیده بودم و با گریه نالیدم
معلوم هست چے دارے میگی؟
تاوان چی؟
مگه من چی کار کردم؟

وقتے به سمتم چرخید و اون چشمای پر از خونش دیدم بیشتر توے خودم مجاله
شدم

قلبیم داشت از جا کنده می شد بهم نزدیک تر شد و گفت

_ قرار نیست که تو کارے کرده باش ے هر کس ے تاوان اشتباهات خانواده
اش هم میتونه پس بده

بگرد بین پدر و مادرت چه اشتباهے کردن که تو باید تاوان اشتباهات اونارو پس
بدی



کاربر گرامی جهت اطلاع از زمان پارت بعدی این رمان و دسترسی راحت تر به

پارت‌های جدید لطفا در کانال و پیج اینستاگرام ما عضو شوید :

جهت عضویت در کانال تلگرامی و اینستاگرامی ما روی عکس زیر کلیک کنید

(برای عضوین در کانال تلگرامی فیلتر شکن را روشن کنید سپس کلیک کنید)

عضویت در کانال تلگرامی رمان پلاس

اطلاع از زمان دقیق آپدیت ها / دسترسی سریعتر به پارت‌های جدید / اخبار سایت و..



عضویت در پیج اینستاگرام فایل استار

اطلاع از تیزر رمان‌های برتر / اخبار دنیای رمان / دسترسی به نویسنده رمان‌ها

